

قرائتی زن محور از گزاره‌های اخلاقی قرآن

متینه‌السادات موسوی*

چکیده

از جمله بحث‌هایی که در حوزه معرفت و فهم متون دینی مطرح می‌شود، تأثیر عوامل پنهان بر کسب دانش و اندیشه است. در این میان تأثیر جنسیت در فهم متون، یکی از مباحثی است که در دهه‌های اخیر به شکل جدی بررسی شده است؛ چراکه در فرآیند کسب معرفت، تجربه، رفتار و علایق و صفات مردانه معیار تلقی شده و تجربه و علایق زنانه نادیده گرفته می‌شود. این نظریه با ورود فمینیسم در این حوزه، برای رسیدن به حقوقی مشابه و برابر با حقوق مردان، با به چالش کشیدن ساختار مردسالارانه، تا خوانش زنانه متون دینی پیش رفته است. یکی از پیشگامان این اندیشه در اسلام، آمنه ودود آمریکایی آفریقایی مسلمان

* - کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران.



شده است که قرآن را به عنوان کتاب اخلاق، کانون اصلی کار خود قرار داده و مدعی است اسلامی که قرن‌ها عمل می‌شده، نسبت به زنان عدالت را رعایت ننموده و آنچه به صورت برتری مردان استنباط می‌شود، به واسطه تسلط سایه مردان بر تفاسیر و بازتابی از سلطه اجتماعی ایشان بوده است. ودود جهاد جنسیتی خود را که کشمکش اخلاقی و به معنای پس گرفتن برابری قرآنی است، با این دیدگاه اخلاقی که عدالت، برابری و منزلت، حق خدادای هر انسانی است، آغاز کرد. حاصل تلاش او در بازنگری قرآن با نگرشی زنانه، در مهم‌ترین اثر او کتاب *قرآن و زن، بازخوانی قرآن از منظر زنانه* تبلور یافته است.

واژه‌های کلیدی

قرآن، زن، جنسیت، اخلاق، برابری، آمنه ودود.

درآمد

مسئله زنان، امروزه دغدغه بسیاری از انسان‌هاست و در عین حال مشکلات زیادی در این حوزه وجود دارد. زنان در کشورهای گوناگون، به درجات مختلف از محدودیت‌های جنسیتی رنج می‌برند. در کشورهای مسلمان که بیشترشان جوامع توسعه نیافته یا در حال گذار هستند، مواجهه سنت و مدرنیته سبب به وجود آمدن بحران‌هایی شده است.^۱ یکی از مباحث جدی در حوزه مطالعات زنان، مسئله تأثیر جنسیت بر تفسیرها و تحلیل‌هاست و این پرسش که آیا نگاه زنان به هستی، قوانین، علوم و ... با نگاه مردان متفاوت است، از پرسش‌های جدی و شایسته تأمل است.^۲ برخی از صاحب‌نظران با مفروض گرفتن مفروض گرفتن این تفاوت‌ها به بررسی دستاوردهای معرفتی بشر در حوزه‌های

۱- فرشته، مطهری، *نواندیشی دینی و مسئله زن*، کتاب ماه دین، ش ۱۴۳، ص ۵۸.

۲- مهدی مهریزی، جنسیت و ترجمه قرآن، بینات، ش ۴۹ و ۵۰، بهار و تابستان ۱۳۸۵، ص ۳۳.



گوناگون پرداخته‌اند و خواستار بازسازی معارف بشری با نگاه زنانه شده‌اند.^۱ دامنه این نظریه تا تفسیر متون دینی از جمله قرآن هم کشیده شده است. مسئله‌ای که لازم است در ابتدا طرح گردد و به آن توجه شود، مبحث هرمنوتیک است. هرمنوتیک، آرای دانشمندان معاصر و تحولات آن درباره فهم قرآن و هر متن مقدس و مسائل چالش برانگیز فهم متن را در بر می‌گیرد. هرمنوتیک از آن جهت با آرای قرآن پژوهان معاصر ارتباط پیدا می‌کند که تحولاتی در نگرش و شیوه تفسیر پژوهی مسلمانان ایجاد کرده است. آنان علاوه بر قواعد تفسیر، به مسائل دیگری پرداخته‌اند که در فهم متن تأثیرگذار بوده و از آن در قواعد تفسیر، سخنی به میان نیامده است.^۲

در گفتمان هرمنوتیک، در تفسیر و فهم متن، به غیر از متن، عوامل دیگری از جمله مفسر متن، تأثیرگذار است. تأثیر شخصیت مفسر، یکی از مباحث هرمنوتیک است؛ زیرا مفسر با ذهنی خالی همچون صفحه سفید کاغذ، به سراغ متن نمی‌رود تا آنچه از متن در صفحه ذهن او می‌تابد، در آن نقش بندد و دستگاه ذهن در آن دخالتی نداشته باشد. ذهن مفسر خالی نیست، بلکه انباشته از دانسته‌ها، گرایش‌ها و منش‌هایی است که به صورت ناخودآگاه در تفسیر او تأثیر می‌گذارد.^۳ اگرچه تأثیر مفسر در اندیشه متفکران مسلمان به طور مستقل مطرح نشده است؛ اما در لابه‌لای سخنان آنان نکاتی ذکر شده که نشان می‌دهد اندیشوران مسلمان به فهم‌های مختلف به عنوان واقعیتی اجتناب‌ناپذیر اذعان داشته و آن را پذیرفته‌اند.

-
- ۱- حسین بستان (نجفی)، «اسلام و تفاوت‌های جنسیتی»، تهران: دفتر امور بانوان وزارت کشور، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸، ص ۴.
- ۲- سیدمحمدعلی ایازی، «قرآن از منظر اندیشمندان معاصر»، دانشگاه آزاد اسلامی، ویرایش چهارم، زمستان ۱۳۸۹، ص ۴۵.
- ۳- سیدمحمدعلی ایازی، «تأثیر شخصیت مفسر در تفسیر قرآن»، صحیفه مبین، دوره دوم، ش ۲، تابستان ۱۳۷۸، ص ۱۴.



برای اینکه به اهمیت جایگاه مفسر و نقش شخصیتی او در تفسیر پی ببریم، باید به ریشه ها و علل گرایش مفسر توجه کنیم. اینکه چرا مفسری به معنایی روی می آورد و برداشتی را ترجیح می دهد که با دیگران متفاوت است. بدون شک نحوه شکل گیری اندیشه او تحت تأثیر دلایل مختلفی از جمله خانواده، محیط، نظام اجتماعی و فرهنگی، دانش های زمان و اطلاعات مفسر، عوامل معیشتی، شیوه زندگی و در نهایت اساتید و هم عصران او است. از سوی دیگر کسب معلومات جدید، طرح شبهات نو، وابستگی های دینی و سیاسی و حزبی و قومی و حتی فرهنگی، مسائلی ایجاد می کند که هیچ مفسری از این تأثیرپذیری گریزی ندارد.^۱

دغدغه مفسر که یکی از عوامل مؤثر بر تفسیر است،^۲ در رابطه با خانم و دود مبتنی بر نگاه تبعیض آمیز جامعه غربی به سیاهپوستان و دید تحقیرآمیز سیاهان به جنس زن و از سوی دیگر، فضای فرهنگی و غلبه افکار مفسران اهل سنت بر فضای حاکم بر اندیشه او، موجب موضع گیری خاص و در نتیجه دفاع او گردیده است و شاید بتوان گفت اگر و دود از طبقه مرفه سفیدپوستان آمریکا می بود، تفسیر او از نابرابری های جنسیتی در قرآن، شکل دیگری به خود می گرفت. تجارب و دود سراسر مواجهه با خصلت مردانه غربی سلطه گرا شکل گرفته است. او که سال ها با اندیشه مسیحیت زیسته، پس از ورود به اسلام، ریشه این نوع نگرش خاص را متون مقدس دانسته تا آنجا که بازنگری و بازخوانی آن را کاری لازم الاجرا برای احقاق حقوق زنان دانسته است.

دود پیش فرض ها، دیدگاه ها و شرایط هر مفسری را به «متن پیشین» تعبیر می کند و هر قرآنی را منحصر به فرد می داند. او هیچ روش تفسیر قرآنی را به طور کامل، واقعی و قطعی نمی داند؛ زیرا هر روشی مبتنی بر

۱- همان، ص ۲۵.

۲- همان، ص ۲۰.



تراوشات ذهنی و انتخاب‌های درونی است. او جزئیات تفاسیر را بازتاب افکار شخصیت مفسر می‌داند، نه ضرورتاً هدف متن.^۱

پیش از پرداختن به محور اصلی بحث، بیان مقدمه‌ای مبتنی بر طرح مباحث زبان‌شناختی که به تبیین تأثیر جنسیت بر دستاوردهای معرفتی بشر می‌پردازد، لازم به نظر می‌رسد. این مقدمه اثبات می‌کند که زنان اگرچه مجاللی برای ارائه دیدگاه‌های خود نیافته‌اند؛ اما آثار اندک به جای مانده، بیانگر تفاوت در جنس زبان و بیان زنان، با نوع نگاه مردان است و اینکه فمینیست‌ها ساختار زبانی مردمحور را موجب ایجاد جهانی مردمحور می‌دانند و سعی در رفع این تبعیض تاریخی را لازم دانسته‌اند و عرصه این مباحث را حتی به دین و تفاسیر کشیده‌اند.

نگاهی به‌عنوان کتاب و بررسی مفاهیم آن، می‌تواند قلمرو بحث را مشخص‌تر نماید. «بازخوانی قرآن از منظر زنانه» ارتباطی تنگاتنگ با طرح مباحث زبان‌شناختی و الهیات فمینیستی دارد.

خوانش زنانه از متون

جنسیت و زبان

تبیین مفهوم [منظر زنانه] نیاز به طرح مقدماتی در حوزه زبان‌شناختی، درباره ارتباط زبان و جنسیت دارد و از دیدگاه زبان‌شناسی پرداختن به تأثیر متغیر جنسیت بر زبان، لازم و ضروری است؛ زیرا زبان‌شناس را قادر به توصیف دقیق‌تر زبان می‌کند.^۲ برخی محققان، مسئله جنسیت را عامل بسیاری از گوناگونی‌های زبان‌شناختی به‌شمار می‌آورند و این امر

۱-Amina Wadud, *Quran and Woman: Rereading the interpretation Sacred Text from a Woman's Perspective* (New York, ۱۹۹۹), p.۲

۲- نگار؛ عیار؛ عطیه، داوری اردکانی، «کنکاشی در پژوهش‌های زبان‌شناختی جنسیت»، مطالعات راهبردی زنان، ش ۴۲، زمستان ۱۳۸۷، ص ۱۷۰.



را در استفاده از واژگان و تلفظ و به کارگیری دستور زبان و حتی سبک گفتمان دخیل می‌دانند. عنوان «زبان و جنسیت» از دهه ۱۹۶۰ به بعد جای خود را در میان پژوهش‌های زبانی باز کرد. طی این سال‌ها کتاب‌ها و مقالات متعددی نوشته شد که در آن‌ها به اهمیت تبعیض جنسیتی در زبان و نقش جنسیت در به کارگیری زبان پرداخته شده است. محققانی که در این حوزه فعالیت می‌کردند، بر این باور بودند که سلطه مردان بر زنان باعث ایجاد تفاوت زبانی شده و موقعیت زنان را در اجتماع، در سطحی فرودست‌تر از مردان نگاه داشته است.^۱

برخی زبان‌شناسان علاوه بر مطالعه زبان به عنوان پدیده و مسئله‌ای جهت انتقال اندیشه، آن را در بافت اجتماعی مطالعه کرده‌اند. این گروه معتقدند میان ساختار زبانی و اجتماع، ارتباط نزدیکی برقرار است و میان رفتار زبانی و غیرزبانی در جنس مرد و زن، تفاوت‌هایی به چشم می‌خورد که این موضوع برخاسته از نقش اجتماعی این دو جنس است. اما پس از طرح تأثیر جنسیت در زبان، مقوله دیگری به نام «فمینیسم و زبان» طرح شدنی است که با زبان زنانه تفاوت‌هایی دارد. لازم به ذکر است که زبان‌شناسی و بررسی رابطه زبان و جنسیت، از مباحث نوپای فمینیستی است، با این تفاوت که زبان‌شناسان فمینیست، پژوهش‌های خود را به سمت کشف فرودستی زنان در زبان و تحلیل و رویارویی با آن جهت می‌دهند.^۲

فمینیسم و زبان

۱- ویدا نوشین فر، «زبان و جنسیت»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند، ش ۲، س ۲، بهار ۱۳۸۱، ص ۱۸۴.

۲- مجید دهقانی‌زاده، «مطالعات جنسیتی زبان»، حورا، ش ۳۱، ۱۳۸۸، ص ۳۵.

Archive of SID

جنبش زنان (فمنیسیم) که برای احقاق حقوق زنان در مسائلی مانند استقلال مالی، تحصیلات و حق رأی مطرح شده، ادعا دارد که زبان و نوشتار زنانه را که گونه‌ای تازه از زبان است، نویسندگان و شاعران این جنبش به عرصه حیات عرضه کرده‌اند^۱ و زنان در این نگاه جدید خود، خواهش‌ها، ناگفته‌ها و رازهای سرکوب‌شده خود را آشکار می‌کنند و به گردگیری زبان تک‌محور گذشته می‌پردازند.^۲ آنان یکی از راه‌های ارتقاء زنان را در هم‌شکستن انحصارطلبی جامعه مردمحوری می‌دانند که ابزارهای زبانی متأثر از برتری جنسیتی را در اختیار گرفته است.^۳

اسپندر در کتاب *زبان مرد ساخته*^۴ بیان می‌کند که برای نظم‌بخشی و معنادهی به جهان، نیازمند قواعدی هستیم و قواعدی که با آن زندگی می‌کنیم، طبیعی نیستند و مردساخته‌اند و تا زمانی که از آن استفاده می‌کنیم، ملزم هستیم جهان را با این فرض که انسان بهنجار و معیار، مرد است، طبقه‌بندی کنیم. از نظر وی مردان در موقعیتی از قدرت، سلطه و کنترل قرار داشته‌اند که توانسته‌اند جهان را از زاویه دید خویش نام‌گذاری کنند و زبانی را بسازند که برای اهداف خودشان مناسب است و در این فضا است که زنان با زبانی که ساخته آنان نبوده است، عقاید و احساسات خود را بیان می‌کنند و این چنین زبانی محدودیت‌هایی را برای تجربه و ادراک زنان قرار داده است،^۵ لذا آنان نمی‌توانند جایگاه شایسته خود را به دست بیاورند مگر اینکه بندهای

۱- قدرت‌الله طاهری، «زنان و نوشتار زنانه؛ واقعیت یا توهم؟»، زبان و ادب پارسی، ش ۴۲، ۱۳۸۸، ص ۸۷

۲- شهربانو صحابی، «نگرشی تازه به شیوه نگارش زنانه»، ادبیات فارسی، ش ۱۱، ۱۳۸۷، ص ۱۱۰.

۳- همان، ص ۱۱۳.

۴- Dale Spender, *Man made language*, Routledge & Kegan Paul ۱۹۸۰.

۵- مجید دهقانی‌زاده، «مطالعات جنسیتی زبان»، حورا، ش ۳۱، ۱۳۸۸، ص ۵۱.



جامعهٔ مردسالار را در هم بگسلند و به بازتعریفی از خودشان پردازند.^۱ از این رو زبان زنانه بعدها محوری ترین موضوع فمینیسم شد و البته فمینیست ها گامی جلوتر رفتند و بر این باور شدند که با شکل گیری زبان زنانه می توانند بار عمدهٔ مردسالاری را حذف کنند.

بازخوانی متون دینی

الهیات فمینیستی

برای رسیدن به تفسیر زنانهٔ ودود از قرآن، بایستی ابتدا پیشینهٔ این نوع نگاه در اندیشهٔ الهیات فمینیستی مسیحیت بررسی شود. فمینیسم به عنوان جنبشی اجتماعی و نوعی نظام معرفت-شناختی، دین را به عنوان عامل اساسی مشروعیت بخش ساختار پدرسالاری به چالش کشیده است. متکلمان فمینیست با انتقادات شدید به همهٔ ادیان و تأکید بر مسئلهٔ جنسیت خداوند، مقولهٔ جدیدی را در مطالعات دینی مطرح نموده اند. اینان رهیافت جدیدی را تحت عنوان الهیات فمینیستی و ایدهٔ زنانه شدن در مطالعات دینی طرح کرده اند.^۲ در فمینیسم خواسته ای اخلاقی وجود دارد تا نظام های اجتماعی مردسالاری را تضعیف یا نابود سازند و تاریخ را بازنگری کنند و همهٔ عناصر فرهنگی اعم از هنر، روانشناسی، الهیات، اخلاق و مانند آن را که متأثر از دیدگاه های مردمحورند به نقد بکشند.^۳

الهیات فمینیستی به بحث و مجادله دربارهٔ نحوهٔ ارتباط با سنت کتاب مقدس و استفاده از آن و ارزش و اهمیتی که باید برای عقل و تجربه قائل شد و نیز مشارکت در جامعهٔ مؤمنان و تلاش بشری برای

۱- قدرت الله طاهری، «زنان و نوشتار زنانه؛ واقعیت یا توهم؟»، فصلنامهٔ زبان و ادب فارسی، ش ۴۲، ۱۳۸۸، ص ۸۸

۲- مجید موحد، «الهیات فمینیستی و دنیوی شدن»، اندیشهٔ دینی، ش ۲۰، ۱۳۸۵، ص ۸۲

۳- محمد لنگه‌اوزن، «اسلام در رویارویی با فمینیسم»، ترجمهٔ مریم جواندل، بانوان شیعه، ش ۲، ۱۳۸۳، ص ۲۹.

پاسخ‌گویی به خداوند، شدت بخشیده است. الهیات فمینیستی منبعی نیرومند و سرشار از انگیزه‌ای است که می‌خواهد بر تمامی انواع متون مقدس نگاهی دوباره بیفکند.^۱ در زمینه اخلاق، الهیات فمینیستی به‌طور جدی راجع به مسئله اصلی «عدالت» برای زنان صحبت می‌کند.^۲

نکته درخور توجه درباره نگرش فمینیست‌ها در باب دین این است که آن‌ها در انتقادات خود تنها به آیین مسیح بسنده نکرده‌اند، بلکه تمامی ادیان را در ایجاد پدرسالاری و تبعیض زنان نقد کرده‌اند. اینان معتقدند که در دین‌های جدید، برداشت‌های محافظه‌کارانه از ادیان ابراهیمی شامل یهودیت، مسیحیت و اسلام در تعارض و تضاد با مدرنیته و آشکال لیبرال قرار دارد، از دیدگاه آنان یکی از ویژگی این ادیان نه تنها ایجاد تمایز میان خدا و جهان، بلکه میان زن و مرد است.^۳

خاستگاه فمینیسم اسلامی

طرح این چنین مباحثی در جهان اسلام از اواخر قرن نوزدهم و در پی نفوذ مدرنیته به کشورهای اسلامی صورت گرفت.^۴ فمینیسم برخاسته از فرهنگ مدرن به درون فرهنگ اسلامی جوامع مسلمان وارد شده و بازخوانی شد.^۵ پسوند اسلامی پس از واژه فمینیسم نشانگر تفسیری نو از اسلام است، نه تلاش برای دفاع از حقوق زنان براساس آموزه‌های اسلامی.^۶ نظریه پردازان این دیدگاه تلاش کرده‌اند با ارائه برداشت‌های جدید از آیات قرآن، برداشتی نو از دین

۱- لادس، آن، ترجمه اکرم مشهدی و بهزاد سالکی، اطلاعات حکمت و معرفت، ش ۱، ص ۱۸.

۲- همان، ص ۲۰.

۳- مجید موحد، «الهیات فمینیستی و دنیوی شدن، اندیشه دینی»، ش ۲۰، ۱۳۸۵، ص ۸۳.

۴- حسین سرفراز، «خوانشی از گفتمان فمینیسم اسلامی»، اطلاعات حکمت و معرفت، ش ۱، ص ۳۴.

۵- همان، ص ۳۵.

۶- حسین اسحاقی، «تأملی بر پیکره و پیامدهای فمینیسم اسلامی»، رواق اندیشه، ش ۴۴، ص ۶۲.



ارائه دهند. در این گرایش مسلمانان در برداشت از قرآن انتقاد دارند و معتقدند مردان، خود را در معانی لفظی و انعطاف‌ناپذیر منحصر کرده و به فاهمه تنگ خود اکتفا نموده‌اند و این در حالی است که بایستی قرآن را برای معانی انعطاف‌ناپذیر و جهان‌مشمول و سازگار با عدالت همراه با مفهوم برابری و مساوات در حقوق و فرصت‌ها خواند و از روح قرآن بهره جست. در گفتمان جدید، بحث برابری زن و مرد در بسیاری از مواقع مطرح شد و سعی شده تا آیاتی که مبتنی بر برتری ریاست مرد، قیومیّت، تمکین و فرودستی زنان و... است، ساختارشکنی شده و معنی جدیدی مبتنی بر برابری زن و مرد و محدودیت اختیاری مردان و توسعه اختیارات زنان شکل بگیرد.^۱

فمینیست‌های اسلامی طیف متنوعی را تشکیل می‌دهند، برخی هدف خود را تأمین عدالت جنسیتی در جوامع اسلامی و برخی پالایش دین از تفاسیر مردسالارانه در پهنه نظری می‌دانند که به قرائتی مجدد از قرآن منجر می‌شود. تفسیر قرآن توسط زنان امر بدیعی نیست و پیشینه آن به صدر اسلام، به واسطه حفصه و عایشه می‌رسد که در انتقال قرآن نقش داشتند.^۲ دکتر عایشه بنت الشاطی^۳ و پیش از او سیده نصرت امین (بانو امین) نویسنده تفسیر *مخزن العرفان*، اولین مفسران زنی هستند که به تفسیر قرآن پرداخته‌اند.^۴

البته تفسیر برخی آیات قرآنی با رویکردی فمینیستی مقوله دیگری است که مفسرانی نظیر ممتاز علی، محمد جمال الدین قاسمی، محمد عبده، محمد رشید

۱- سوسن باستانی و مژگان دستوری، «بررسی تأثیر جنسیت در گفتمان مطالعه مورد دو ترجمه معاصر قرآن»، پژوهش زنان، دوره ۵، ش ۳، زمستان ۱۳۸۶، ص ۵.

۲- Encyclopaedia of the Quran, McAuliffe, Jane Dammen, ed. Roded, Ruth, Women and the Quran, Leiden Boston: Brill ۲۰۰۰, P. ۵۳۵

۳- Ibid, P. ۵۳۷-۵۳۷

۴- مریم نوشین و محمدجواد اسکندرلو، ترجمه و نقد مقاله زن و قرآن از دایره‌المعارف قرآن از رادد رادد روت، حدیث پژوهی خاورشناسان، ش ۵، ۱۳۸۷، ص ۱۱۹.

رضا، محمود عباس العقاد، مودودی، سید قطب و آمنه ودود مطرح کرده‌اند.^۱ برخی دیگر از فعالان این حوزه که تنها بر قرآن تمرکز دارند، رفعت حسن و فاطمه نصیف هستند. عزیز الحبری لبنانی و سردار علی پاکستانی بر قرائت دوباره از قرآن و اشکال مختلف شریعت فعالیت می‌کنند و کسانی چون فاطمه مرنسی از مراکش، لیلا احمد و هدایت توکسال از ترکیه در فکر بررسی دوباره احادیث هستند.^۲

آمنه ودود و کتاب قرآن و زن

سیری در احوال ودود

آمنه ودود در ۲۵ سپتامبر ۱۹۵۲ در مریلند متولد شد. او دوران کودکی نابسامانی داشت و از این دوران با عنوان «انتقال» یاد می‌کند. او در پی تحصیلاتش در آمریکا به شدت به واسطه «سیاه و زن بودنش» محدود شد.^۳ ودود در سال ۱۹۷۲ به اسلام گروید. او آغاز این مسیر تازه را از زمانی می‌داند که به صورت تصادفی از یک نسخه قرآن بهره‌مند می‌شود.^۴ او نام خود را به صورت رسمی به آمنه ودود تغییر داد تا منعکس کننده وابستگی او به انتخاب مذهبی‌اش باشد و همزمان با این تحول، رشته تحصیلاتش را به آموزش اسلامی تغییر داد.^۵ در طول چند سال پس از آن، ودود به زبان عربی مسلط شد و به کسب مدارج

۱-Roded, p.۵۴۰

۲-Badran, Margot, Féminisme islamique : qu'est-ce à dire?, critique international , ۴۶, ۲۰۱۰, p.۴۰

۳-اسما بارلاس، «بازخوانی متن مقدس از منظر زنان تفسیر آمنه ودود از قرآن»، ترجمه مهرداد عباسی و متینه السادات موسوی، آینه پژوهش، ش ۱۳۹، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۲، ص ۲۲.

۴-Wadud, Amina. 'Qur'an, Gender and Interpretive Possibilities', HAWWA ۲ (۳), ۲۰۰۴, p.۳۱۷

۵- ibid.p.۳۱۸



تحصیلی کارشناسی ارشد در رشته مطالعات خاورمیانه و دکترای در رشته مطالعات اسلامی و عربی از دانشگاه میشیگان موفق شد. پس از آن ودود در سال ۱۹۹۲م به موقعیت استادی دین و فلسفه در دانشگاه مشترک المنافع ویرجینیا دست یافت و وقت خود را صرف مطالعه و تدریس در لیسی و مالزی کرد. در حالی که هنوز در مالزی مشغول نوشتن و انتشار مقالات انتقادی به تفاسیر قرآن بود، کتاب قرآن و زن او موجب شهرت وی در مجامع علمی شد و از آن پس برای ارائه مقالات و حضور در همایش‌ها در سراسر ایالات متحده و بلکه در سرتاسر جهان دعوت شد (آرشیو مقالات دانشگاه دی‌پل).^۱ از دیگر اقدامات او عضویت در انجمن «خواهران اسلامی»^۲ است. این سازمان را زنان مسلمان ایجاد کردند و مربوط به زنان و ستم‌هایی است که به نام اسلام با آن مواجه شده‌اند. از مهم‌ترین نوشته‌های ودود کتاب «قرآن و زن» است که در سال ۱۹۹۲ برای نخستین بار به چاپ رسید. این کتاب بارها تجدید چاپ شده و علاوه بر آن به زبان‌های مختلف نیز ترجمه شده است، از جمله به زبان‌های اندونزی (۱۹۹۴) و عربی (۱۹۹۹) توسط سمین عدنان، و به زبان‌های اسپانیایی (۲۰۰۲) و مالایایی (۲۰۱۰) و ایتالیایی (۲۰۱۱). از دیگر آثار ودود، کتاب «جهاد جنیستی: اصلاحاتی در اسلام»^۳ (۲۰۰۶) است. ودود مقالات بسیاری در زمینه اسلام، جنسیت و قرآن نوشته است. او در سال ۲۰۰۸ مقالات خود را به آرشیو مقالات اسلامی دانشگاه دی‌پل شیکاگو اهدا کرد. علاوه بر این ودود بیش از ۲۰۰ سخنرانی در کنفرانس‌ها و همایش‌ها دارد. او در این حوزه موفق

۱- DePaul University Archives

۲- Sisters in Islam

۳- *Inside the Gender Jihad: Reform in Islam*, Oxford ۲۰۰۶



Archive of SID

به کسب عناوین و جوایزی شده، از جمله او یکی از ۵۰۰ زن الهام‌بخش در جهان قرار گرفت (۲۰۱۰) و عنوان «زنان دلیر» در کنگره واشنگتن (۲۰۰۹). به او اعطا شد. در سال ۲۰۱۲ کتابی با عنوان «جهاد برای برابری»^۱ در آمریکا انتشار یافت که دارای مجموعه مقالاتی با محوریت ودود، آثار و اندیشه‌های او است و دارای پنج محور و ۳۲ مقاله است.

از اقدامات ودود که در نوع خود بی‌سابقه بوده و موجب واکنش‌های مختلف و بعضاً تنیدی شد، پیش‌نمایی نماز جماعت است. ودود به فتوای خودش در مصلاهی مرکز آکسفورد به‌عنوان امام نماز جمعه، پیشاپیش صفوف نمازگزاران ایستاد و نماز را اقامه کرد (۲۰۰۸)، او خطاب به مسلمانان مطالبی در رابطه با برابری زن و مرد مطرح نمود و عنوان کرد در هیچ جای قرآن درباره نقض امامت زنان مطالب و احکامی نیافته است. لازم به ذکر است، او پیشتر در سال ۲۰۰۵ در ایالت ویرجینیای آمریکا به برگزاری نماز جماعت مختلط اقدام کرده بود.^۲ در واکنش به این اقدام، جمع کثیری از جوامع اسلامی به این عمل، به شدت اعتراض کردند تا آنجا که عده‌ای او را تهدید به قتل کردند.

ودود اهتمام خود را بر محور قرآن قرار داد و سعی در بازخوانی آن از منظر زنانه داشته و قرائت نوی او مقابله با سوء برداشت‌ها از آیات قرآنی در حوزه زنان است. او دست یافتن به این قرائت را مستلزم بازبینی نوع نگاهی می‌داند که در عرصه ایمان نسبت به زنان وجود داشته است و لذا تلاشش را در بازنگری قرآن با نگرشی زنانه آغاز می‌کند. تبلور این نگاه در کتاب قرآن و زن است.

معرفی کتاب قرآن و زن

۱- *A Jihad For Justice: Honoring The Work And Life Of Amina Wadud*, Kecia Ali, Juliane Hammer, and Laury Silvers (ed.), USA ۲۰۱۲.

۲- *A Jihad For Justice* p. ۴۵.



کتاب متشکل از مقدمه، چهار فصل، خاتمه، ضمیمه و کتاب‌شناسی است. در مقدمه، مؤلف به صورت کلی هدفش را از نگاشتن کتاب مطرح می‌کند و سپس چشم‌اندازی بر روش‌شناسی و اهمیت پیش‌انگاشته‌های مفسر بر متن و حتی زبان دارد. در ادامه، او به تمایزات بین زن و مرد اشاره می‌کند و در پایان خلاصه‌ای از فصول را متذکر می‌شود.

در فصل اول، برخی مشکلات اصلی تحلیل‌های نامنظم آفرینش انسان را بازنگری می‌کند و همچنین مطالب منسجم و یکدستی را در رابطه با خلقت انسان، با تمرکز بر زوجیت حتمی همه مخلوقات ارائه می‌دهد. بنابراین، هر کدام از مرد و زن در آفرینش بشری دارای اهمیت‌اند و به‌طور برابر مهم هستند.

و دود در فصل دوم، به نقش‌های متفاوت و تحلیل مفاهیمی که برخی از شخصیت‌های بارز قرآنی مطرح کرده‌اند، می‌پردازد که تلقی او از وظایف و نقش‌های «مناسب» برای زن در جوامع اسلامی است و در ضمن آن، به بیان مبانی فکری‌اش نظیر هدایت اخلاقی قرآن، فراتاریخی بودن و اسباب النزول و... اشاره می‌کند.

فصل سوم، هنگام بحث از آخرت و به‌منظور عدالت، رابطه بین تأکید قرآن بر مساوات را به‌طور جامع ترسیم می‌کند و به برابری جزا به‌عنوان منبع الهام‌بخش زندگی اخروی و توضیحی برای نمای کلی عدالت و برابری قرآنی اشاره می‌نماید.

و دود در فصل آخر به تحلیل فلسفی جنسیت می‌پردازد و از طریق آن، توانایی قرآن را در فائق آمدن بر افراط بیش از اندازه برخی تفاسیر سنتی که توانایی زن را سرکوب کردند، نشان می‌دهد. او به بیان این نکته می‌پردازد که قرآن می‌تواند با موقعیت زنان در پیچیدگی‌های تمدن‌های توسعه‌یافته تطبیق پیدا کند و با بررسی آیات چالش‌برانگیز

دربارهٔ زنان، برخی محدودیت‌های وضع شده و به کار گرفته شده برضد زنان را به عنوان نتایج چنین دیدگاه محدود کننده‌ای نکوهش می‌کند. آنچه تاکنون مطرح شد، مقدمه‌ای برای ورود به بحث اصلی بود که همان جایگاه اخلاق در اندیشهٔ آمنه ودود است. دغدغهٔ اصلی ودود در خوانش زنانهٔ قرآن ارائهٔ چارچوبی برای تفسیر مضامین اخلاقی قرآن است. او که قائل به تضييع حقوق زنان در طی دوره‌های متمادی تاریخ تفسیر قرآن است، معتقد است ساحت قرآن از چنین نابرابری در حق زنان مبرا است و با نگاهی اخلاقی بر محور عدالت، سعی در پی‌ریزی نظام اخلاقی قرآن محور دارد.

جهاد جنسیتی بر مبنای عدالت

ودود در جست‌وجوی پرسش‌هایی دربارهٔ هدف زندگی و نقش خودش به عنوان زن در آن، به اسلام گروید و خوشبختانه پاسخ پرسش‌هایی را که جست‌وجو می‌کرد، یافت. البته بنا به اذعان خودش پرسش‌های او جزء به جزء پاسخ نگرفتند، بلکه در قرآن «به نگرشی به جهان و ماوراء همراه با معانی یقین آور برای نفس» دست یافت.^۱

او پس از سه دهه مطالعه و تحقیق در قرآن با صراحت اذعان می‌کند، آن چیزی که در قرآن یافته «تأییدی قاطع بر برابری زنان» است که البته با اعمال و رفتار مسلمانان سازگار نیست. چنین فهمی تعهد ودود را بر آنچه او «جهاد جنسیتی» می‌نامد، عمیق‌تر کرد.^۲ جهاد جنسیتی برای ودود، کشمکش اخلاقی

۱- اسما بارلاس، «بازخوانی متن مقدس از منظر زنان؛ تفسیر آمنه ودود از قرآن»، ترجمهٔ مهرداد عباسی و متینه‌السادات موسوی، آینهٔ پژوهش، ش ۱۳۹، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۲، ص ۲۲.

۲- همان، ص ۲۳.



است، به معنای پس گرفتن برابری قرآنی و به عنوان وسیله‌ای برای به چالش کشیدن و اصلاح نگرش مسلمانان نسبت به زنان.^۱

نوشته‌های ودود با انتقادهای شدیدی روبرو شد. او به این نکته پی برد که مخالفت با وضعیت پدیدآمده به معنای مخالفت با اسلام قلمداد می‌شود.^۲ وی با اشاره به طردشدگی‌اش از جانب گروه‌های محافظه کار جامعه می‌گوید، «شاید من به عنوان زن آفریقایی الاصل و زن آمریکایی مسلمان شده، موظف نبودم درباره چیزی فراتر از آنچه دیگران برایم به ارث گذاشته بودند، کنکاش کنم».^۳

بنابراین سخت‌ترین درسی که ودود به عنوان مسلمان، باید می‌آموخت، این بود که تا زمانی که به کار خود درباره جهاد جنسیتی ادامه می‌دهد، جایگاهی در میان جریان غالب جوامع اسلامی ندارد. او پس از درک این واقعیت، سرد و مأیوس نشد. وی از یک سو تفاوت‌های موجود میان اسلام و مسلمانان را به رسمیت شناخت و از دیگر سو بر انتخاب‌های اخلاقی و فکری خویش مهر تأیید زد.^۴ او حالا می‌دانست که آرامش و احساس تعلق داشتن را تنها نزد خداوند می‌توان یافت و این امر مبتنی بر فهم این نکته است که یک فرد، در جایگاه خلیفه خداوند یا جانشین روی زمین «نمی‌تواند در برابر بی‌عدالتی بی تفاوت باشد و چنین انسانی را نمی‌توان مسلمانانی کامل شمرد».^۵ ودود دامنه بررسی‌هایش را برای تحقق هدف «جهاد جنسیتی» بر مبنای قرآن و نه تفسیر آن قرار می‌دهد. او فعالیت خودش را به مقابله با تعصبات رایج میان مسلمانان معطوف می‌کند که نه

۱- Wadud ' Qur'an' p .X.

۲- اسما بارلاس، پیشین، ص ۲۳.

۳- Wadud ' Qur'an' p .Xviii.

۴- اسما بارلاس، پیشین ص ۲۳.

۵- Wadud ' Qur'an' p .xix



تنها جایگاه زن را در اجتماع مسلمانان تحت تأثیر قرار می‌دهد، حتی تفاسیر قرآنی را در رابطه با موقعیت زن متأثر می‌کند.^۱

ودود نابرابری‌های جنسیتی را نتیجه تفاسیر می‌داند؛ چراکه «این تفاسیر متضمن بازتابی جدی از قصور خود زبان در انتقال معانی الهی و نیز نفوذ خاص مردسالاری در تفاسیر تاریخی است، تا آنجا که مبانی الگویی و عملی اسلام را متأثر می‌کند»^۲، او تفاسیر قرآنی را بازتاب‌گزینه‌های فکری و شخصیتی مفسران می‌داند که این برداشت‌ها ضرورتاً هدف متن را نشان نمی‌دهد.^۳ ودود دامنه قرائت مردانه از قرآن را محدود به تفاسیر نمی‌بیند، بلکه معتقد است دایره آن اخلاق را هم دربر می‌گیرد^۴ و در نهایت او مسئولیت آنچه به نام بی‌عدالتی می‌خواند را بر عهده پیروان آن گذاشته و آیین اسلام و خصوصاً قرآن را از آن مبرا می‌داند و سعی می‌کند تا برابری انسانی بین زن و مرد را از آیات قرآن استخراج کند.

هدف اصلی قرآن «هدایت اخلاقی»

ودود قرآن را یکی از مجموعه متن‌های وحی شده به هدف هدایت انسان می‌داند. براساس قرآن، تحقق وظایف اخلاقی انسان بایستی با عالم وجود، آفرینش و دیگر مخلوقات که به‌عنوان بازتابی از واسطه با آفریدگار هستند، هماهنگی داشته باشد.^۵

تلاش ودود برای بازیابی مفاهیم اخلاقی قرآن به‌منظور پی‌ریزی نظام اخلاقی قرآن‌محور است. او معتقد است از آنجایی که قرآن برای

۱- Wadud 'Qur'an' p.۷

۲- Wadud, 'Qur'an, Gender...p.۳۱۶

۳- Wadud 'Qur'an' p.۲

۴- Wadud, 'Qur'an, Gender...p.۳۲۴

۵- ibid, p.۳۱۸



هدایت اخلاقی است، پس باید با مفاهیم اخلاقی ارتباط داشته باشد و جنسیت خاص اهمیتی ندارد.^۱

نگاه به قرآن از منظر هدایت اخلاقی موضوعی است که کمتر به صورت ویژه به آن پرداخته شده است. اغلب مفسران و محققان پس از استنباط احکام فقهی از قرآن به استخراج آیات اخلاقی قرآن می پردازند؛ اما ودود معتقد است حتی آیات فقهی قرآن به منظور بیان احکام اخلاقی است. فضل الرحمان که از اساتید تأثیرگذار بر اندیشه آمنه ودود در تفسیر دوباره قرآن بر مبنای مضامین اخلاقی فقهی است،^۲ اعتقاد دارد قرآن متنی است که اصولاً با مسائل مطرح در علم اخلاق مرتبط است. او از این واقعیت که علم اخلاق در میان علوم اسلامی تقریباً مغفول مانده، اظهار تعجب می کند، در حالی که اخلاق در سراسر قرآن به وضوح جریان دارد.

عبدالله دراز از دیگر قرآن پژوهان، در حقیقت هدایت اخلاقی می گوید: اخلاق قرآن نه تنها میراث گذشتگان را پاس داشته و آن را تقویت نموده است، بلکه با ضمیمه کردن بخش ها و فصولی، راه و روش را کاملاً مزین و آراسته کرده تا سرآغازی مترقی و پایانش تا ابد اخلاقی باشد.^۳ در تحقق هدایت اخلاقی قرآن، توجه به منبعی متعالی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در این دیدگاه مهم ترین ویژگی اخلاق قرآن این است که به رفتار اخلاقی قرآن شکل تازه ای بخشیده، آن چنان که قرآن مخاطبانش را به دیدن دوباره جهان و خودشان

۱- Wadud ' Qur'an' p.۹

۲- عبدالله سعید، «فضل الرحمان و اندیشه های وی در باب فهم و تفسیر قرآن»، مدرسه، س ۲، ش ۴، مهر ۱۳۵۸، ص ۷۱.

۳- عبدالله دراز، آیین اخلاق در قرآن، ترجمه محمدرضا عطایی، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۸۷، ص ۷۴.

Archive of SID

و کارهایشان از منظر اخروی دعوت می کند تا به دیدگاهی برسند که از دیدگاه سودگرایی روزمره و مبتنی بر منفعت شخصی کوتاه‌بینانه دور باشد.^۱

در نگاه ودود تنها مبنای تفاوت انسان‌ها، شخصیت اخلاقی یعنی توانایی برخورداری از تقوا در آنهاست و در روز قیامت براساس کارهای اخلاقی داوری خواهند شد و آنچه اهمیت دارد، ایمان و عمل است.^۲ ودود هدایت اخلاقی قرآن را در کل منسجمی می‌بیند که در تمام قرآن جاری است و محدود به جنسیت خاصی نیست. از نگاه ودود، قرآن شامل راهنمایی‌های کلی اخلاقی است؛ اما واقعیت آن است که این مطالب در زمانی نازل شده است که اعراب تلقی خاص و تصور نادرستی درباره زنان داشتند و رفتارهای وقیحانه‌ای برضد آنان انجام می‌دادند و همین امر منجر به دستورهای خاص آن فرهنگ شده است. او طرفدار کسانی است که در عین اینکه قرآن را همچون کلیتی متنی می‌خوانند، تعالیم آن را در بستر تاریخ و زمینه آن مطالعه می‌کنند.^۳

فراجنسیتی‌بودن اخلاق

ودود تفاوت‌های جنسیتی و عملکردهای متمایز به هر جنسی را در درک رفتارهای مناسب اخلاقی می‌پذیرد؛ اما معتقد است از آنجایی که قرآن برای هدایت اخلاقی است، بایستی به مفاهیم اخلاقی بدون در نظر گرفتن جنسیت خاص توجه شود. او احکام خاص در رابطه با زنان را تحت تأثیر تصورات غلط درباره زنان و رفتارهای ناپسند غلط نسبت به ایشان در عصر نزول می‌داند.^۴

۱- کورین راینهارت، *دایرة المعارف قرآن*؛ مدخل اخلاق و قرآن، ترجمه مهرداد عباسی، حکمت، ۱۳۹۰، ص ۱۵۶.

۲- اسما بارلاس، «بازخوانی متن مقدس از منظر زنان؛ تفسیر آمنة ودود از قرآن»، ترجمه مهرداد عباسی و متینه‌السادات موسوی، آینه پژوهش، ش ۱۳۹، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۲، ص ۳۰.

۳- Wadud 'Qur'an' p. ۹.

۴- Wadud 'Qur'an' p. ۹.



ودود اصل مجسم شده در آیات را غیرمقید می‌داند، هرچند که اشارات خاصی به مردان یا زنان داشته باشد. او خیر و شر را محصور در جنسیت نمی‌بیند و تساوی جنسی اخلاقی و دینی را نزد خداوند برترین تعبیر برای ارزش مساوات می‌داند. او متذکر می‌شود که برابری اخلاقی دینی زنان، غیرمشروط و مستقل از تغییرات شرایط اجتماعی است و اذعان می‌کند که در سطح اخلاقی دینی، موقعیت مرد و زن در منزلتی برابر قرار دارد، چه در رابطه با واجبات دینی در برابر خداوند یا در مقابل دیگران یا ثواب و عقاب حاصل از آن.^۱ ودود به فهم و تحلیل متن قرآن در رابطه با جانشینی اخلاقی که منتج از تفکر قرآنی خلافت بوده علاقمند است؛ اما در ادامه این سنت اخلاقی اسلام را در انحصار مردان می‌داند و اینکه مردان تنها معیار انسانی و نماینده اخلاقی تصور می‌شوند و زنان تابع آنان و ملزم به اجرای آنچه برای آنان تعیین می‌کنند، هستند.^۲

در نهایت ودود قرآن را نشانی از نور برای هدایتی شایسته می‌داند که اعمال انسان‌ها از طریق مجاهدت و بر طبق اراده الهی صورت می‌پذیرد. او معتقد است نمی‌توان چنین استنباط عمیقی از وظیفه اخلاقی همه بشریت را در بندگی خداوند به اطاعت زنان، مطابق خواست و اختیار مردان محدود کرد.^۳

ودود با رد این مسئله که منظور من از برابری بین زن و مرد مشابهت بین آنان نیست؛ چراکه قرآن به‌طور کامل تفاوت بین آن دو را مطرح کرده است، بیان می‌کند که علاوه بر اینکه این تفاوت در سطح امور

۱- ibid, p.۱۰۰

۲- Wadud, 'Qur'an, Gender... p.۳۲۴

۳- ibid, p.۳۲۵

معنوی، اخلاقی و اجتماعی ثمر می‌دهد؛ ولی موجب حقوق و وظایف خاص و مسئولیت‌های ویژه در حوزه اخلاقی دینی می‌شود.^۱

پس از طرح فراجنسیتی بودن اخلاق قرآنی، آنچه از اندیشه و دود شایسته استنباط است، توجه به سیر تاریخی قرآن است که در این زمینه مباحث متعددی از جمله، اسباب نزول، آیات مکی و مدنی و ... را مطرح می‌کند.

قرآن «تاریخی اخلاقی»

تلاش و دود در پی یافتن پاسخ این مسئله است که پیام جاودانه قرآن در عین انطباق با وضعیت تاریخی دوران نزول، چگونه می‌تواند برای مسلمانان امروزی معنا دار باشد. او قرآن را تاریخی اخلاقی می‌داند که اصول اخلاقی را با ماهیتی فراتاریخی و متعالی مطرح می‌کند، به گونه‌ای که تأثیر یا معنای آن‌ها در موقعیت زمانی آن‌ها خلاصه نمی‌شود. و دود برای عرضه پاسخ این معضل هرمنوتیکی که جاودانگی پیام قرآن، با وضعیت تاریخی دوران نزول آن چگونه ممکن است و این پیام برای مسلمانان امروز چه معنایی دارد، به مبانی نظری از جمله کل‌نگر به قرآن، اسباب النزول و نمونه‌های قرآنی استناد می‌نماید.

رویکرد کل‌نگر به قرآن

از نگاه و دود، وجود رویکرد جزءنگر به آیات قرآن به آشفتگی در تفسیر مضامین اخلاقی فقهی قرآن انجامیده است. اگر اندیشه در نظر گرفتن اوضاع و احوال تاریخی در تفسیر و دود امری اساسی است، دیدگاه او مبنی بر اینکه خود متن، فرایندی «کلی و یکپارچه» است نه «توالی خطی، عبارات» نیز اهمیتی یکسان دارد. توجه به کلیت متنی او را

۱-ibid, p.۱۰۲



سوق می‌دهد تا قرآن را براساس روابط درون متنی بخواند که همان تفسیر قرآن به قرآن است و قرآن خودش آن را توصیه کرده است.^۱

در مجموع، ودود قرآن را همچون کلیتی منسجم و براساس ادعاهای حقیقی خود این کتاب می‌خواند و به زمینه‌های تاریخی تعالی آن و همچنین به ساختارهای زبان‌شناختی و دستوری‌اش توجه دارد. لایه زیرین این اصول مفهومی و روشی، دغدغه‌ای اخلاقی است که مسلمانان یاد بگیرند قرآن را برای فهم بهترین معانی‌اش بخوانند.^۲

در پرتو نگاه کل‌نگر به قرآن، ودود بیان نمونه‌های قرآنی را حق عینی برای به کارگیری مفاهیم اخلاقی می‌داند که با تطبیق اصل اخلاقی قرآن، خواننده مفاهیم عملی را درک می‌نماید. ودود معتقد است قرآن با نقل وقایع عینی، آن‌ها را به تصورات ملموس تبدیل می‌کند.^۳ و اینکه آیات اطلاعاتی را درباره وقایع خاص دربردارد؛ اما درس‌های اخلاقی که از این ماجراها بیرون کشیده می‌شود، می‌تواند تفسیرش عمومیت داشته باشد.^۴

نظریه دوحرکتی فضل الرحمان

ودود درباره اسباب النزول معتقد است، اگر سبب نزول یک آیه را حادثه به خصوصی بدانیم، ماهیت فراتاریخی قرآن از بین می‌رود. او در ادامه، قرآن را در زمینه جزئیات تاریخی که هدف هدایت عام را محقق می‌کند، گزینشی می‌داند که به جای گزارش صرف از وقایع، با ذکر نمونه از شخصیت‌های

۱- اسما بارلاس، «بازخوانی متن مقدس از منظر زنان؛ تفسیر آمنه ودود از قرآن»، ترجمه مهرداد عباسی و متینه‌السادات موسوی، آینه پژوهش، ش ۱۳۹، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۲، ص ۲۸.
۲- همان، ص ۲۹.

۳- Wadud ' *Qur'an* ' p.۳۲

۴- ibid, p.۳۴.



Archive of SID

مذکور در آیات، از آن‌ها برای تطبیق مفاهیم اخلاقی حمایت می‌کند.^۱ ودود با مدل قرار دادن نظریه فضل الرحمان در نگاشتن کتاب قرآن وزن در صدد اثبات این نظریه برآمد که بسیاری از موارد تفاوت احکام زنان و مردان در اسلام جنبه تاریخی داشته و به عبارت دیگر مربوط به زمان حاضر نیست.^۲ ودود در کتاب قرآن وزن برای ارائه مبنایی تازه، به نقل نظریه مشهور فضل الرحمان می‌پردازد. فرایند تفسیر متشکل از حرکت دو گانه از وضعیت موجود تا عصر نزول قرآن، سپس بازگشت به عصر حاضر...؛ زیرا قرآن پاسخی الهی، از زبان پیامبر ﷺ درباره وضعیت اجتماعی و اخلاقی عرب عصر پیامبر ﷺ است.^۳ طرح پیشنهادی فضل الرحمان شامل دو حرکت است: نخست از جزء به کل و دیگری از کل به جزء. در حرکت نخست در پرتو مطالعه بافت اجتماعی و تاریخی قرآن و اوضاع و احوال زمانه نزول وحی، اصول عمومی نظیر عدالت، برابری و آزادی به دست می‌آید که مطالعه اسباب النزول در این مرحله حائز اهمیت است. در حرکت دوم، اصول عمومی به دست آمده از حرکت اول، مبنای طرح‌ریزی قوانین متناسب با دوره جدید خواهد بود. منظور فضل الرحمان از اصول عمومی در نظریه دو حرکتی کمابیش همان دسته از اصول اخلاقی قرآن است که علت صدور اوامر و نواهی الهی یا حکمت نهفته در پس آن‌ها بوده است. به اعتقاد او، در تدوین نظام حقوقی مبتنی بر قرآن، نخست باید اصول اخلاقی قرآن را یافت و سپس احکام را از آن‌ها استخراج کرد و آنچه در این میان اهمیت اساسی دارد، شناسایی نظام مند منطقی یا اهداف آیات قرآن براساس اصول و ارزش‌های نظام اخلاقی قرآن است. این اصل عمومی از طریق مطالعه دقیق بافت

۱- Wadud ' Qur'an' p.۳۱.

۲- محمدجعفر علمی، «بررسی و نقد نظریه فضل الرحمان در بازسازی اجتهاد در دین»، فصلنامه علوم سیاسی، ش ۳۷، بهار ۱۳۸۶، ص ۱۱۶.

۳- Wadud ' Qur'an' p.۳۱.



اجتماعی تاریخی احکام قرآن شایسته استنباط است و آنگاه بر مبنای این اصول می توان «منظومه یکپارچه و جامع اجتماعی اخلاقی» را برای جوامع اسلامی تدوین کرد.

فقه یا اخلاق؟

دغدغه اصلی ودود چنانکه بیشتر گفته شد، پی ریزی نظامی اخلاقی بر پایه قرآن بود. قرآن از نگاه او متنی است که اصولاً با مسائل مطرح در علم اخلاق مرتبط است و تبدیل آن به متنی فقهی را نادرست می داند. به معنای دیگر او قرآن را کتاب راهنمای اخلاق می داند، نه صرفاً راهنمای فقه و احکام.

فضل الرحمان (که ودود مبانی فکری اش را وامدار اوست) معتقد است، بدون داشتن نظام اخلاقی مدون نمی توان فقه اسلامی را به درستی اجرا کرد، وی می نویسد: «علمای اسلامی هیچگاه به منظور استخراج اخلاق بر پایه قرآن نکوشیده اند». این در حالی است که هر فردی با مطالعه دقیق قرآن تحت تأثیر نشاط اخلاقی آن قرار خواهد گرفت. به علاوه اخلاق، عصاره قرآن و نیز رشته پیوند میان کلام و فقه است. درست است که قرآن اخلاق را به صورت دستوراتی فقهی و شبه فقهی درمی آورد؛ اما این دقیقاً نشانه ای از نشاط اخلاقی قرآن است. آیات قرآن همواره در حال توضیح اهداف یا اصولی است که عصاره دستورات فقهی اند.^۱

بر مبنای این چنین نظریاتی است که ودود نیز آیاتی که راجع به لباس و پوشش است، اینگونه تفسیر می کند: قرآن تلقی ای عمومی درباره مسئله پوشش مطرح می کند و می گوید: «لباس تقوا بهترین است»؛ اما شریعت (فقه اسلامی) اشارات قرآنی به شیوه های خاص لباس اعراب (مثلاً روبنده زدن) را نمونه ای

۱- عبدالله سعید، «فضل الرحمان و اندیشه های وی در باب فهم و تفسیر قرآن»، مدرسه، س ۲، ش ۴، مهر ۱۳۵۸،

Archive of SID

مناسب از عفت قلمداد می‌کند.^۱ به اعتقاد او، تعمیم پوشش خاص موجب می‌شود که نمادهای عفت که در جامعه فرهنگی و اقتصادی عرب قرن هفتم تعریف شده بود، تعمیم یابد و از این طریق تخصیص فرهنگی به تعالیم قرآنی اعمال شود و این در حالی است که فرهنگ‌ها لزوماً عقاید یکسانی درباره عفت ندارند.^۲

ودود معتقد است که ما نیاز داریم بدانیم، آنچه قرآن به ما می‌آموزد «اصل عفت است... نه روینده‌زدن و انزوا که نمادهای مخصوص آن بافت (عربی) بودند و حیا و عفت برای محافظت از منش اخلاقی معین در فرهنگ‌های مختلف مؤثر است و بایستی بر آن محافظت کرد.^۳

ودود با برگزاری نماز جماعت مختلط و اقامه نماز جمعه و ایراد خطبه به نوعی، انقیاد نداشتنش نسبت به فقه را ابراز کرده است. بررسی معارضه فقه و اخلاق در اندیشه چنین نواندیشانی مجال دیگری را می‌طلبد.

خاتمه

آمنه وودود آمریکایی آفریقایی تازه‌مسلمان شده، فعالیت خود را که بازخوانی قرآن با نگرشی زنانه است، با نگاهی انتقادی به حاشیه‌نشینی ساختاری زنان در جامعه که با سوءبرداشتهایی از قرآن در حق زنان اعمال شده را به چالش می‌کشد. او خواستار جامعه‌ای با تمامیت انسانی برای همه، بر اساس عدالت جنسیتی و برابری انسانی و آزادی بر محور اخلاق قرآنی است. او قائل به برابری کامل بین زن و مرد، صرف نظر از جنسیت است و از حقوق زنان و برابری

۱- اسما بارلاس، «بازخوانی متن مقدس از منظر زنان؛ تفسیر آمنه وودود از قرآن»، ترجمه مهرداد عباسی و متینه‌السادات موسوی، آینه پژوهش، ش ۱۳۹، ص ۲۴.

۲- همان.

۳- Wadud ' Qur'an' p.۱۰



جنسیتی و عدالت اجتماعی در چارچوب قرآن دفاع می کند. او مطالعات خودش را پروژه‌ای اسلامی می داند که مبتنی بر قرائت جدید براساس تحلیل متن محور قرآن قرار دارد. او با برخورداری از اتوریته کافی به طرح مبانی نظری مبتنی بر هدف هدایت اخلاقی قرآن برای تمام انسان‌ها در همه زمان‌ها و مکان‌ها می پردازد و با ارائه نظریه فراجنسیتی بودن اخلاق به اثبات ادعایش می پردازد.

منابع

۱. ایازی، سیدمحمدعلی، «قرآن از منظر اندیشمندان معاصر»، دانشگاه آزاد اسلامی، ویرایش چهارم، زمستان ۱۳۸۹.
۲. ایازی، سیدمحمدعلی، «تأثیر شخصیت مفسر در تفسیر قرآن»، صحیفه مبین، دوره دوم، ش ۲، تابستان ۱۳۷۸، ص ۴۳ تا ۹۴.
۳. بارلاس، اسما، «بازخوانی متن مقدس از منظر زنان؛ تفسیر آمنه و دود از قرآن»، ترجمه مهرداد عباسی و متینه السادات موسوی، آینه پژوهش، ش ۱۳۹، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۲، ص ۳۲ تا ۲۱.
۴. بستان (نجفی)، حسین، اسلام و تفاوت‌های جنسیتی، تهران: دفتر امور بانوان وزارت کشور و قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸.
۵. داوری اردکانی، نگار، عیار، عطیه، «کنکاشی در پژوهش‌های زبان‌شناختی جنسیت»، مطالعات راهبردی زنان، ش ۴۲، زمستان ۱۳۸۷، ص ۱۶۲ تا ۱۸۱.
۶. دراز، عبدالله، آیین اخلاق در قرآن، ترجمه محمدرضا عطایی، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۸۷، ص ۷۴.
۷. دهقانی زاده، مجید، «مطالعات جنسیتی زبان»، حورا، ش ۳۱، سال ۱۳۸۸، قابل دسترسی در «پرتال جامع علوم انسانی» به نشانی اینترنتی: <http://www.ensani.ir/fa/content/111790/default.aspx>

Archive of SID

۸. ارینهارت، کوین، *دایره‌المعارف قرآن؛ مدخل اخلاق و قرآن*، ترجمه مهرداد عباسی، بی‌جا، حکمت، ۱۳۹۰.
۹. سرافراز، حسین، «خوانشی از گفتمان فمینیسم اسلامی»، *اطلاعات حکمت و معرفت*، ش ۱، ص ۳۴ تا ۳۹.
۱۰. سعید، عبدالله، فضل الرحمان و اندیشه‌های وی در باب فهم و تفسیر قرآن» *مدرسه*، س ۲، ش ۴، مهر ۱۳۵۸، ص ۷۱ تا ۷۶.
۱۱. صحابی، شهربانو، «نگرشی تازه به شیوه نگارش زنانه»، *فصلنامه ادبیات فارسی*، ش ۱۱، ۱۳۸۷، ص ۱۱۰ تا ۱۲۴.
۱۲. طاهری، قدرت الله، «زنان و نوشتار زنانه؛ واقعیت یا توهم؟»، *فصلنامه زبان و ادب پارسی*، ش ۴۲، ۱۳۸۸، ص ۸۷ تا ۱۰۷.
۱۳. علمی، محمدجعفر، «بررسی و نقد نظریه فضل الرحمان در بازسازی اجتهاد در دین»، *فصلنامه علوم سیاسی*، ش ۳۷، بهار ۱۳۸۶، ص ۷۱ تا ۱۲۴.
۱۴. لادس، آن، ترجمه اکرم مهدی و بهزاد سالکی، *اطلاعات حکمت و معرفت*، ش ۱، ص ۱۸ تا ۲۲.
۱۵. لنگه‌اوزن، محمد، «اسلام در رویارویی با فمینیسم»، ترجمه مریم جواندل، *بانوان شیعه*، ش ۲، ۱۳۸۳، ص ۱۹ تا ۶۱.
۱۶. مطهری، فرشته، «نواندیشی دینی و مسئله زن»، *کتاب ماه دین*، ش ۱۴۳، ص ۵۷ تا ۵۹.
۱۷. مهریزی، مهدی، *جنسیت و ترجمه قرآن*، بینات، ش ۴۹ و ۵۰، بهار و تابستان ۱۳۸۵، ص ۳۱ تا ۴۴.
۱۸. موحد، مجید، «الهیات فمینیستی و دنیوی شدن»، *اندیشه دینی*، ش ۲۰، ۱۳۸۵، ص ۸۱ تا ۱۰۶.
۱۹. نوشین فر، ویدا، «زبان و جنسیت»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند*، ش ۲، س ۲، بهار ۱۳۸۱، ص ۶۶ تا ۷۱.



۲۰. نوشین مریم، محمدجواد اسکندرلو، ترجمه و نقد مقاله زن و قرآن از دایره المعارف قرآن از رادد روت، حدیث پژوهی خاورشناسان، ش ۵، ۱۳۸۷، ص ۱۱۹.

۲۱. *A Jihad For Justice: Honoring The Work And Life Of Amina Wadud*, Kecia Ali, Juliane Hammer, and Laury Silvers (ed.), USA ۲۰۱۲.

۲۲. Wadud, Amina, *Qur'an and Woman: Rereading the interpretation Sacred Text from a Woman's Perspective*, New York ۱۹۹۹.

۲۳. -----, 'Qur'an, Gender and Interpretive Possibilities', *HAWWA* ۲ (۳), ۲۰۰۴, pp. ۳۱۶-۳۳۶.

۲۴. *Islam in America Collection: Amina Wadud Papers*, DePaul University Archives

۲۵. Badran, Margot, 'Feminism and the Qur'ān', in *Encyclopaedia of the Qur'ān*, Jane D. McAuliffe (ed.), Leiden & Boston: Brill, ۲۰۰۱-۲۰۰۶, vol. ۲, pp. ۱۹۹-۲۰۳;

۲۶. -----, Féminisme islamique : qu'est-ce à dire?, critique international , ۴۶, ۲۰۱۰, pp. ۲۵-۴۴..

۲۷. Roded, Ruth, 'Women and the Qur'ān', in *Encyclopaedia of the Qur'ān*, Jane D. McAuliffe (ed.), vol.. ۵, pp. ۵۲۳-۵۴۱.